

## تن انگدیه

در متن پهلوی ستایش سی روزه بند هفت<sup>۱</sup> به این عبارت بر می خوریم .

*ēn tō amuradat gētēh daxšak, kuš kas vēnās ut  
tapāhīh patiš nē kunēt, cē ōhrmazdic kāmak  
anōh ku hac frārōnih anbār ē ān ē tō amurdat,  
cē kē hac frārōnih anbār kunēt ō rovān ē x<sup>v</sup>ēs  
andar ēn gēhān bē dahēt, ēgiš mēnōgic ē rātīh  
aviš ayyār bavēt, ōgon kat frāxvīh ut patixvīh  
bavēt anbār kunēt, pat tan angatīh bē ō  
daryōšān dahēt ēgiš arzānīkēnīt rovān ē xvēs  
pat matan ē ō ān pahlum axvān.*

"ای امرداد این نشان گیتی ( در پهلوی گیتی و مینو برای مادی و معنوی به کار می رود ) تو است کش کس گناه و تباهی بدان نکند . چه گام هر مزد نیز آنجا بود که انبار فرارونی (= نیکی ) تو امرداد است ، چه کسی که از فرارونی انبار کند ، به روان خویش اندر این کیهان بدهد پس مینوی رادی نیز به او یار بود ، آنگون که در هنگام فراخی و نیک بختی انبار ( منظور مادیات مانند غله و غیره است ) کند و به تن انگتیه به درویشان دهد پس او آمدن به بهترین هستی را به روان خویش ارزانی دارد ."

1- *Zandi Khurtak Avistak* ed. by Dhabhar, Bombay 1972 p. 23.

در این جمله تن انگتیه یعنی چه؟ معنی تن معلوم است و اما انگتیه و انگت "چه معنی دارد؟ و رویهم یعنی چه؟

تا آنجا که من جستجو کرده‌ام در هیچ جای دیگر به این ترکیب بر نخورده‌ام. این ترکیب عبارت است از تن + انگت + یه. انگد. در زبان فارسی امروز واژه معمول و زبانزدی نیست. در بعضی از فرهنگها واژه انگیدن آمده است.

آنندراج آن را به درست به معنی آگندن و پر کردن آورده است. ولی در واژه‌نامه اشتینگاس (steingass) انگیختن معنی شده است. این واژه در زبان پارسیک (پارسی میانه) و پهلوانیک (پارتی) کاربرد زیاد دارد. در همین متن ستایش سی‌روژه واژه انگت چنین به کار رفته است:

... vas nēvakīh kē ham angat ham daryoš haciš  
zīvišn ut dārišn.

"... بسیار نیکی که هم انگت هم درویش را زندگی و دارندگی از او است" دابار و دکتر عقیقی<sup>۳</sup> انگت "را در اینجا "دارا" معنی کرده‌اند.

در کتاب دانا و مینوی خرد چنین آمده است:

... nang rāy vēnās ma kun, cē nēvakīh ut ārayišn  
ut angatīh ut pātaxšayīh ut hunar ut šāyēndagīh

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - همانجا ص ۲۳

۲- Zand i khurtak Avistak trans. by Dhabhar.  
Bombay 29, 3, p. 428.

که انگت را rich معنی کرده است و در زیر نویس همین صفحه توضیحاتی در این باره داده است.

۳ - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی شماره اول، سال دوازدهم صفحه ۵۱.

۴- Dānāk u mainyō-i khard, pahlavi pazand  
sanskrit texts: ed. by Ervād Tahmurass Dinshāh  
Anklesaria. Bombay 1913, p. 11.

*nē pat kām ut kunišn ē mardōmān, bēk pat  
brīhīnišn ē spihr ut kāmak ē yazadān bavēt.*  
"نگ را گناه مکن چه نیکی و آرایش و انگدی و پادشاهی و هنر و شایستگی نه به  
کام و کنش مردمان است بلکه به سرنوشت سپهر و کام یزدان بود!"  
و باز در همین کتاب مینوی خرد<sup>۲</sup> چنین آمده است:

*...ut ārāyišn i hēr i gētēh ut angatīh ut  
burzišn i vattarān ut zanišn ut avinišn i vēhān.*  
... و آرایش چیز گیتی و انگدی و برزش بدان و سرزنش بهان.

دکتر تفضلی واژه *angadīh/hangadīh* را "دارائی و ثروت" معنی  
کرده است.<sup>۳</sup>

در بندهش TD2 یک بار به این واژه انگت بر می خوریم. البته این واژه در  
TD2 با جزئی تحریفی به شکل *𐬀𐬎𐬎𐬀* بجای *𐬀𐬎𐬎𐬀* نوشته شده است.  
*...pat harvasp dahišn bē dvārist. uš gēhān pat*

۱ - این جمله یادآور عبارتی است که در قابوسنامه (به اهتمام دکتر غلامحسین  
یوسفی، تهران ۱۳۴۷ ص ۲۶) دیده می شود.  
... و تو از بهر روزی رنج بسیار بر خویشان منم که بکوشش روزی افزون نشود. چه  
گفته اند بالجدلا بالکد = به بختی نه به کوشش (جد به عربی بمعنی حظ = بهره  
و نصیب) (المنجد) و این همان کلمه است که برابر آرامی آن *GHD*  
در هزارشهای پهلوی دیده می شود و تلفظ ایرانی آن *xvārr* یا *farr* به  
معنی بخت است.

برای فر، خور = بخت. نک. H.W. Bailey: *Zoroastrian  
problems in the 4th century Books.* oxford  
1943. I&II.

۲ - ص ۶۲ پرسش چهاردهم بند ۲۵ - ۲۷.

۳ - احمد تفضلی، واژه نامه مینوی خرد، تهران ۱۳۴۸ ص ۵۸ و نیز معنی انگلیسی  
آن را در ص ۱۴ *possession* داده است.

۴ - چنانکه از واژه نامه بندهش تألیف مهرداد بهار (تهران ۱۳۴۵ - ص ۴۲) بر  
می آید که در آن فقط به یک جا اشاره شده است.

*nēmroč ōgōn angat tum bē kart, čēgōn šap ē tīrak hōmānāk.*

گنا مینو) ... به همه آفرینش به تاخت و گیهان را به نیمروز چنان انگد تاریک به کرد همانا چنان شب تیره ...  
در اینجا چنانکه ملاحظه می کنید انگد را نمی توان "دارا" معنی کرد. بیلی این واژه را همانگونه که نوشته شده است *avist* خوانده است:

*ōgōn avist ut tum bē kart*

He rushed through the whole creature. He made the world at noon unseen and dark like a dark night.

و در توضیح این واژه چنین می نویسد.

here synonymous with tom  
possibly *a-vist* cf. Av. *vista*

بهرام گور تهمورث انکلساریا این عبارت بندهش را طور دیگری خوانده است.  
*vaš gēhān pa nīmrūz avin anditum bē kart cūn šap i tira hūmānā...*

داوال - وست واژه *angat* را به *affluence* بمعنی وفور - فراوانی و در واژه نامه ای که برای مینوی خرد تهیه کرده اند انگدی و انگیدی را *enrichment, affluence, repletion, fulness* و به فارسی آرایش، دولت مندی، گنج و یاری معنی کرده اند.<sup>۵</sup>

۱ - بندهش ترجمه H. Baily (رساله دکتری، نسخه عکسی دکتر ماهیار نوایی) ص ۲۰۱  
*avist=unseen*

۲ - همانجا ص ۲۰۲

۳ - *vista* از *vaed* = یافتن، شناختن

4 - *Zand Ākāsīh* trans. by B.T. Anklesaria  
Bombay 195, p. 48.

5 - *Dhaval-west* London 1871, p. 130

*angāt* و *angātīh* یکی دوبار در مقابل "درویش" به کار رفته است و چنانکه گذشت دکتر تفضلی *hangādīh* را دارائی و ثروت<sup>۱</sup> دکتر عقیقی<sup>۲</sup> انگت را "دارا" و آنجا که تن/نگتیه آمده است چنین ترجمه کرده است. "... آنگونه که فراخی و فراوانی بود انبار کند - به تن، دارائی به درویشان دهد و آنگاه ارزانی دارد روان خویش را به آمدن به بهروم جهان..." و در زیرنویس همان صفحه "به تن" را "با رغبت، خلوص نیت" معنی کرده است. دابار در کتاب ترجمه زند خرده اوست *angāt* را *rich*<sup>۳</sup> معنی کرده است و آنجا که *tan angātīh* آمده است چنین ترجمه می کند.

It confers prosperity on poor persons and then they make their souls worthy of arrival at Best Existence

در متون مانوی نیز این واژه بکار رفته است: *T'wg bwyd 'ngd* توانا باشید، خوشبخت. آن در آس و هنینگ *'ngd* را *glücklich* (= خوشبختی) معنی کرده اند. در جای دیگر در همین کتاب *hw ngd* به معنی بسیار خوشبخت آمده است. *hw'ngd z'wr wzrgyft wjydg*. بسیار خوشبخت، زور، بزرگی، گزیده. و نیز در جای دیگر، *prw'n bg'n* *'wt yzd'n kw'm'n wad frš' wynd' z'wr 'wt 'brnng kw pt fryh w'xš [w]t tnb' r'ngdg 'wt 'spwryg*

۱ - نک ص ۳۲ زیر نویس ۳

۲ - نک ص ۳۳ زیر نویس ۳

3- Dhabhar Zandi... p. 48.

4- Mir Man. III p. 32, h. 107h

5- idem. p. 29 177/g

6- W.B. Henning, *Ein manichaisches Bet-und Beichtbuch*. APAW, 1936, No. 10.

*bw'm* از بزبان ویزدان که ما را خود زور و پاکی بفرستد که به روح و جسم کامل و پیر باشیم،  
و در صفحه ۱۵۸ (*path.*) *'ngdg* را کمال معنی کرده است  
(*volkommen=perfect*) در سغدی *'nyt* بمعنی کامل آمده  
است. اوستا *han-gata* از *√gam*

گیلن زبر ریشه *ay ...* می نویسد ماضی این فعل از ریشه *gam*  
می آید که شکل ضعیف آن *gaδ:gd* است. *gaδ:gd* است. *hangad, hangad (=ham +gad)*  
که صفت است بمعنی *complete* (کامل)، *heureux* = (خوشحال).  
در ترکیب با *hu-* یعنی *hu-angat* = خیلی خوشحال. در متون پازند ویراسته  
آنتیا *Antia* واژه *angat* به صورت *𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡* و برای *tan angatih*  
چنین آمده است:

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭡

به تن انگتیه انگتیه به درویشان دهد ( در اینجا انگت دوم را اضافه بر متن پهلوی  
دارد) چنانکه دیدیم همه جا *angat* بمعنی کامل است و اگر "دارا" معنی شده  
است برای این است که در مقابل درویش آمده و آن هم در حقیقت کمال در ثروت  
است و مجازاً به کار رفته است و *tan angatih* به معنی کمال تن یا تندرستی  
است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
در متن ستایش سی روزه که در اول این گفتار به آن اشاره شد چنین  
آمده است.  
رتال جامع علوم انسانی

*čē kē hač frārōnīh anbār kunēt, ō rōvān ē*  
*x<sup>v</sup>ēx andar ēn gēhān bē dahēt. ēgiš mēnōgič*  
*ē rātīh aviš ayyār bavēt ōgōn kat frāx<sup>v</sup>īh*

1- A Ghilan. *Essai sur la langue parthe*,  
louvain, 1939. p. 47.  
2- *pazand texts* Bombay, 1909 p. 249.

*ut patix<sup>v</sup>ih anbar kunēt, pat tan angatih  
bē ō daryōšān dahēt eqiš arzānikēnīt rōvān ē x<sup>v</sup>ēs  
pat matan ē ō ān pahlum ax<sup>v</sup>ān*

آیا آنچه که برای کمال تن به درویشان می دهند جز صدقه چیز دیگر می تواند  
باشد؟ واژه صدقه نیز که در زبان عربی بمعنی "کامل" آمده است مؤید این عقیده

است. کتاب از سلسله ادبیات عامیانه ایرانی منتشر کرده که هر شش شماره از

لسان العرب الصدق را - از قول ابن منظور و همو از قول خلیل - الکامل معنی

میکند. در کار آذوقه فاضلی و توجه خاصی که مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران به نشر

الصدق . الکامل من کل شی (رجل صدق و امرأة صدقه) که سایر بزرگان علمی

و فرهنگی نیز توجهی به نشر این گونه آثار عامیانه ندارند.

در ضمن چند سال گذشته کتابخانه مرکزی مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران و

بزرگان منظومه های گردی است. در مطالعات علمی و فرهنگی مؤسسه

پانداشتهایی در باره ترجمه و توضیح این منظومه ها فراهم کرده

است.

برداشتن به خطاطی که باید در این منظومه ها گفته شود مستلزم

فرمت جداگانه و خطاطی است. آنچه که در این مقاله مطرح است

الذکر تکمیل توضیحاتی است که در این مقاله در باره این منظومه ها

در حواشی این منظومه ها داده شده است. مطالعات فرهنگی

به نوبت چند نمونه از این منظومه ها که در این مقاله در باره این

گونه استالاکت فراوان است و برداشتن به خطاطی خواهد بود موضوع جداگانه ای است

که امید است در آینده نزدیک در این باره با همکاری مؤسسه تاریخ و فرهنگ

ایران نام و نشان منظومه ها و خطاطی آنها را گواهی کنیم.

خیلا نام و نشان منظومه ها و خطاطی آنها را گواهی کنیم.

شکر می شود.

فخر فاضلی فاضلی. منظومه گردی میر و رفا (سلسله ادبیات عامیانه شماره ۱)

تهران: نشر آستان قدس، ۱۳۳۵. ص ۱۰۰